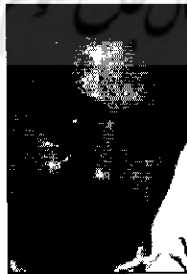




### افشین بداللهی



بسیاری از آن چه ما امروز ترانه می نامیم، شاید تلفیقی باشد از سروده های عامیانه و شعر کلاسیک و به همین دلیل گاه خصوصیات و صفات هر دو را در خود دارد و گاه به گونه ای ست که نمی توان این خصوصیات را به تفکیک در آن بازشناخت. ضمن آنکه اصول حاکم بر هر یک از این فضاها لزوماً در مورد ترانه امروز صدق نمی کند تا بتوان با کمک آن ها به تنهایی و بدون در نظر گرفتن ظرایف کاربردی، ترانه ای را ارزیابی کرد. ضمن این که اصول تلفیق شعر و موسیقی و انتخاب کلام مناسب برای موسیقی مورد نظر و خواننده ای که قرار است آن را اجرا کند و اصولاً ظرفیت موسیقی پذیری کلمات به تنهایی و در کنار یکدیگر در شرایط مختلف، خود مباحث دیگری ست که نیاز به بحث تخصصی جداگانه ای دارد.

تا آن جا که من دیده و شنیده ام، ترانه هنوز تعریف جامع و مانعی ندارد. هر چند برای ترانه سرا شدن نیازی به دانستن تعریف ترانه نیست، ضمن این که آن چه ترانه نامیده می شود و کارکرد ترانه دارد در طول زمان تغییر می کند و این تغییر در روزگار ما سریع تر نیز شده است، چه بسا کلامی که اگر روزی به عنوان ترانه مطرح می شد، مورد استهزاء قرار می گرفت و با نگاهی عاقل اندر سقیه به سراینده آن نگریسته می شد ولی چه بپذیریم،

و معتبر در عرصه ادبیات است پرونده ای در مورد ترانه منتشر می کند. به هر حال چندی ست زمان آن فرارسیده که مراکز دانشگاهی و آکادمیک برای تکامل خود و ترانه رویکردی جدی به منظور ارزیابی و تبیین جایگاه و مختصات ترانه در ادبیات شفاهی و مکتوب این مرز و بوم داشته باشند. هرچند ترانه در ذات خود ابعاد غیر آکادمیک فراوانی خواهد داشت.

چه نپذیریم دست کم برای مدتی، نوع پرمخاطبی از ترانه شده است و از سوی دیگر کلام فاخری که زمانی مخاطب فراوان داشته و دوران شکوفا و ارزشمندی از تاریخ موسیقی باکلام را به خود اختصاص داده، در عصر حاضر کاربرد چندانی در ترانه ندارد. پس می توان گفت ترانه هنری به روز و شاید به روزترین هنر است چرا که در ارتباط مستقیم، تنگاتنگ و متقابل با فرهنگ و زبان روز جامعه است، پس ترانه سرا نیز باید چنین باشد تا بتواند حرفی گفتنی و شنیدنی برای طیف وسیعی از مخاطب با تنوع وسیع سنی، فرهنگی، تحصیلی و ... داشته باشد، چراکه ترانه در حساس ترین حالت خود به لحاظ مخاطب نیز معمولاً تیراژی وسیعتر از کتاب دارد. از سوی دیگر با توجه به وضعیت منحصر به فرد نگاه مسئولین به موسیقی در کشور ما در مقایسه با تمام دنیا و حساس تر و پرسشونده تر بودن موسیقی باکلام نسبت به موسیقی بی کلام، که نوک بیگان توجه و حساسیت را بر ترانه متمرکز می کند، ظرافت کار را بیشتر می توان دریافت، چراکه ترانه سرا باید از میان تمامی محدودیت های شرعی، عرفی، قانونی، اجتماعی، اقتصادی و نهایتاً سلیقه ای راه خود را به جلو باز کند.

ظرف بیش از یک دهه اخیر که از شروع مجدد موسیقی پاپ می گذرد، به مصداق

«از خلاف آمد عادت بطلب کام، که من

کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم»

در مجموع شاهد رشد روزافزون ترانه و ترانه سرایی بوده ایم، به گونه ای که علی رغم معشوش بودن فضای موسیقی و ترانه به لحاظ کیفی و کمی، هم اکنون ترانه مطرح ترین و مورد اقبال ترین گونه شعری در کشور ماست و از نظر تنوع مضمون و بیان، گستردگی قابل ملاحظه ای نسبت به دهه پنجاه که دوران شکوفایی ترانه قبل از انقلاب بوده پیدا کرده است. اگرچه بسیاری از این ترانه ها مجال اجرای مناسب با موسیقی را پیدا نکرده باشند، ضمن این که برای اولین بار تشکیل جلسات منظم «خانه ترانه» از سال ۱۳۸۰ و با فاصله چندساله دیگر مختص ترانه خوانی و نقد کارگاهی ترانه در تهران و شهرستان ها تأثیر قابل توجهی بر گرد هم آمدن ترانه سرایان، کشف استعداد های تازه و شکوفایی آنان داشته و دارد.

پرداختن به موضوع ترانه در مطبوعات و برنامه های رادیو و تلویزیون و ناگزیری از پذیرفتن ترانه به عنوان یک هنر اثرگذار علی رغم مجال پرداختن به موسیقی با توجه به سیاست گذاریهای این رسانه که اتفاقاً موجب پرداختن به موضوع های جدی تر در عرصه ترانه شده نشان می دهد که از خلاف آمد عادت دوران ما، نقطه عطف بسیار مهمی در تاریخ ترانه ایران است و از نشانه های آن این که بسیاری از شعرا تا ده سال قبل ترانه را نوع ضعیف، تقنی و پیش پا افتاده ای از شعر می دانستند و ورود و پرداختن به آن را در شان خود نمی دیدند، اما دیدیم که در سال های اخیر شاعران مطرحی به ترانه روی آوردند که بعضی در این عرصه موفق و بعضی ناموفق بودند و این به آن معناست که ترانه عرصه ای تخصصی در ادبیات است، به گونه ای که برای ترانه سرا شدن شاعر بودن لازم است اما کافی نیست و شاید در همین راستا، مجله شعر که نشریه ای تخصصی

